

بیشتری به چگونگی و چرایی فقر روستایی نمود. فقر روستایی امری بسیار پیچیده است که صرفاً بخشی از آن را می‌توان، به وسیله‌ی فهرست کردن علل و اثرات فقر شناخت. اما این تلاش نیز ضروری است، نابتوان فهمید که فقر روستایی به چه نوع فقری اطلاق می‌شود، در واقع نکته‌ی مشترک و درآورد در مسئله‌ی فقر آن است که روستاییان به طور اعم و اکثر بخشهای روستایی اقوام و ملل به طور اخص بیش از مناطق شهری و شهرنشینان به فقر گرفتارند گرچه فقر را در شهرهای بزرگ نیز می‌توان مشاهده کرد، لیکن برای ریشه کن کردن فقر، نخست باید راهبرد

فقر چیست؟ فقر چیست؟ و این پدیده زشت و شوم که دامن جوامع انسانی را این چنین لکه دار و آلوده ساخته چگونه برطرف خواهد شد؟ بشره که دورترین نقاط عالم را زیر پا گذاشته، بر هر راز و رمز طبیعت دست یافته و دل هر ذره‌ای را شکافته است چرا تا کنون به رفع این لکه ننگ توفیق نیافته است؟ چهره کریه فقرآنچنان هولناک و دهشت زای است که شیرمردی چون امام علی (ع) می‌فرماید: از فقر به خدا پناه می‌برم و حالا نویسنده همکار ما با قلمی شیوا و سبکی بدیع به تشریح این پدیده ناهنجار پرداخته است. مقاله ربا دقت مطالعه کنید و از لحن شیرین و فلسفی آن کسل نشوید... گاهی ترسیم چهره نامطلوب نهی‌دستی با چنین شیوه و روشی دل انگیزتر و عبرت آموزتر می‌شود....

سردبیر

فقر،

فقرزدایی را در بخشهای روستایی در پیش گیریم، زیرا که فقر شهری اغلب از نواحی روستایی آغاز می‌شود و روستاییان برای رهایی از فقر رفته رفته به سوی شهرها مهاجرت می‌کنند. در واقع یکی از ابعاد رفع محرومیت و مقابله با فقر، مبارزه با دوگانگی و شکاف موجود بین شهرها و روستاهاست که در صورت بی توجهی به این مسئله، پیامدهای آن موجب کاهش قدرت تولیدی بخش روستایی خواهد شد و به دنبال آن به کاهش درآمد و در نهایت به کمبود غذا و سوء تغذیه در سطح ملی منجر خواهد شد. زندگی در یک کلبه‌ی کوچک روستایی با ابتدایی‌ترین نوع خوراک و پوشاک و فرصت بسیار کم برای آموزش و فقدان امکانات بهداشتی همراه با تبعیض‌های اجتماعی می‌تواند از زندگی در فقیرترین محله‌های شهر سخت‌تر باشد بر اساس نتایج آخرین سرشماری سال ۱۳۷۵ حدود ۳۸۹ درصد از جمعیت کل کشور در مناطق روستایی بسر می‌برند که اغلب آنها برای گذران زندگانی به فعالیتهای کشاورزی وابسته‌اند و بعضاً برای تامین نیازهای اولیه‌ی غذایی خود نیز در مضیقه‌اند. لذا ضروری است که با تدوین برنامه‌های دقیق و حساب شده در بخش کشاورزی، رشد، تولید و بازده فعالیتهای روستاییان را بالا برد و با تخصیص امکانات و اعتبارات

به عنوان یک راهبرد فقرزدایی مورد استفاده قرار گیرد.

مقدمه:

فقر واقعیتی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است، که از دیرباز یکی از بزرگترین مشکلات انسان بوده است و در حال حاضر نیز جامعه‌ی بشر با آن روبه‌رو است، فقر و شرایط زندگی فقرا، قطعاً به عنوان یکی از پیچیده‌ترین، گنگ‌ترین و ناگوارترین مشکلات، در راس هرم قرار دارد، بنابراین باید توجه داشت که دامنه‌ی فقر در هیچ عصری به گستردگی زمان حاضر نبوده است، آن هم زمانی که آوای تمدن و پیشرفت بیش از هر زمان دیگر در بلندگوها نواخته می‌شود پدیده‌ی فقر از زوایای مختلفی چون فلسفی، اخلاقی، علمی، ادبی، هنری و دینی قابل بررسی است.

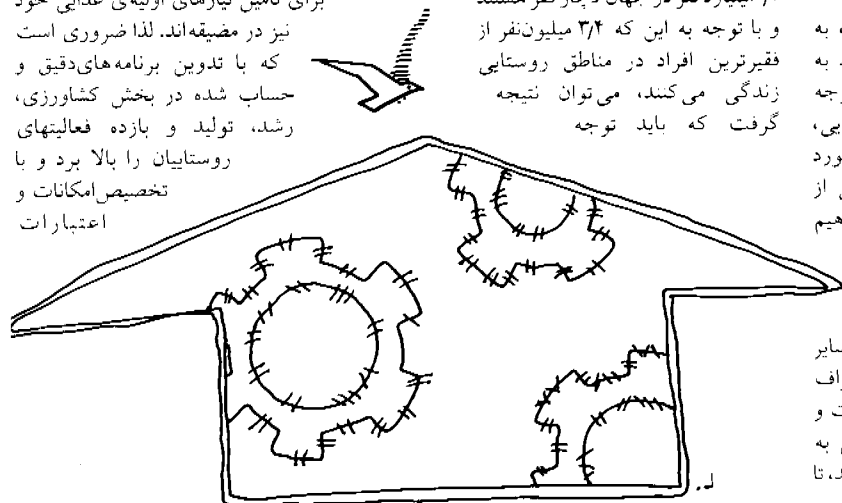
این پدیده‌ی شوم چهره‌ی کریه خود را در اختلاف طبقاتی افراد مختلف یک جامعه بیشتر نمایان می‌سازد، در حال حاضر بیش از ۱۲ میلیارد نفر در جهان دچار فقر هستند و با توجه به این که ۳/۴ میلیون نفر از فقیرترین افراد در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، می‌توان نتیجه گرفت که باید توجه

حضرت علی (ع) می‌فرماید: هر کس به فقر مبتلا شود به چهار خصالت گرفتار می‌شود: ضعف یقین، نقصان عقل، سستی دین، بی‌آبرویی. پس، از فقر به خدا پناه می‌برم.

چکیده

فقر روستایی از مسائلی است که بیشتر کشورهای جهان سوم به نوعی گرفتار آن هستند. البته این مشکل به عدم توسعه این کشورها در تمامی جنبه‌های نظام اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آنان مربوط است. در کشور ما نیز به دلیل مشکلاتی که در زمینه‌ی کشاورزی و فعالیتهای مرتبط با آن در سطح روستاها وجود دارد، مسئله‌ی فقر روز به روز تشدید می‌شود. لذا نگاهی جامع و ریشه‌ای به مسئله‌ی فقر ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین برای نیل به توسعه‌ی روستایی، فقرزدایی روستایی اولین نکته‌ی مهمی است که باید مورد توجه سیاست‌گذاران مسایل روستایی قرار بگیرد.

در مطالعه‌ی حاضر سعی شده است، به روش کتابخانه‌ای تا آنجا که امکان دارد به مسئله‌ی فقرزدایی به صورت عمیق‌تری توجه شود. به همین دلیل ابتدا مفهوم فقر روستایی، ابعاد فقر، ویژگیها، علل و پیامدهای آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و با آرایه‌ی تعریفی از تعاون و توسعه‌ی روستایی، ارتباط آن با مفاهیم فقر، بررسی شده و بار دیگر به مفهوم تعاون و مشارکت به عنوان عاملی برای حل معضل فقر روستایی توجه شده‌است. البته تمایز این نگرش نو با سایر دست نوشته‌های موجود در این زمینه، اعتراف به این نکته‌ی مهم است که می‌باید تعدیلات و تغییرات اساسی در نوع و نحوه‌ی نگرش به تعاون و فرآیند مشارکت روستاییان بوجود آید، تا



بیشتر، شرایط بهتری برای زندگی در روستاها فراهم کرد. در حال حاضر در جهان و به‌ویژه در کشورهای توسعه نیافته (در حال توسعه یا جهان سوم) فقر به عنوان یک موضوع پژوهشی و زمینه‌ی کاربردی آن، توجه زیادی را در سطوح مختلف به خود جلب کرده است، متفکران، اندیشمندان و مسئولان کشور ما نیز از آن غافل نبوده‌اند و درصدد یافتن راه حلها و راهبردهایی برای ریشه کن کردن فقر روستایی هستند.

از این رو مبنای تجربی و مفهومی، پیش نیاز سیاست سازگار مبارزه با فقر است، که این مورد تا به حال به شکل جزئی مطرح شده است. این

پرسش که چگونه یک سیاست فقرزدایی سازگار، باید ضابطه مند شود، در نهایت به این موضوع بستگی دارد که آیا تمام مفاهیم متنوع فقر، و ابعاد آن مورد توجه است؟ و آیا با این راهبرد (سیاست) می‌توان تمام علل فقر را شناسایی و ریشه‌یابی کرد؟ جواب تمام این سوالات در تعاون و تشکیل شرکتهای تعاونی با کارکردهای مختلف نهفته است. بر این اساس شرکتهای تعاونی در راستای فعالیتهای خود امکانات سازمانی را فراهم می‌سازند تا به وسیله‌ی آنها بخش قابل توجهی از افراد جامعه بتوانند با گسترش همکاریهای اقتصادی و اجتماعی، زمینه‌های ایجاد مشاغل عمده را به

وجود آورند. شرکتهای تعاونی شرایط مناسبی را در کنار سایر بخشهای اقتصادی در خلق و ایجاد اشتغال فعال، کاهش و نابودی فقر و گسترش یکپارچگی اجتماعی فراهم می‌سازند. در واقع توجه ویژه به بخش تعاون به عنوان ابزاری مهم که می‌تواند نقشی اساسی در محرومیت زدایی و فقرستیزی داشته باشد مستلزم توجه بیشتر به این بخش از طریق ترویج فرهنگ تعاون و همچنین برنامه ریزی لازم جهت سوق دادن امکانات و سرمایه‌گذارها به طرف بخش تعاونی است. ویژگیهایی که در نظام تعاونی وجود دارد به بسیاری از نیازهای روز جامعه ما پاسخ می‌گوید. این نظام به دلایل عضویت

تعاون و توسعه روستایی

گردآورنده: رضا ویسی



اختیاری و آزاد افراد وجود نظارت جمعی، محدودیت سود سرمایه و تقسیم عادلانه‌ی سود، ضامن یک نظام اقتصادی اجتماعی سالم است که در آن هم به جنبه‌های مشارکتی مردم بها داده می‌شود و هم به دلیل نظارت جمعی، نقش و مسئولیت دولت کمتر می‌شود و عدالت بیشتری در جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی به وجود می‌آید. بنابراین تعاونها به عنوان ابزاری جهت ایجاد انگیزه‌ی توسعه در قالب فرایند توسعه‌ی روستایی با حضور خود مردم در راس فعالیتهای اصلی و فرعی، نه تنها موجب بهبود زندگی مادی می‌شوند، بلکه پیشرفت زندگی اجتماعی و فرهنگی آنها را نیز میسر می‌سازند. در این مقاله سعی خواهد شد تا به طور جامع به مفهوم فقر روستایی پرداخته شود و راهبردهای فقرزدایی در روستاها با توجه به نقش تعاونها در این زمینه، جهت نیل به توسعه‌ی روستایی مورد بررسی قرار گیرد.

مفهوم فقر:

واژه‌ی 'PAUVRE' فقر از ریشه لاتین 'PAUPER' می‌آید که با 'PAUCUS' و یونانی 'PENES' (فقیر) و 'PENIA' (فقر) قرابت داشته و با واژه‌ی 'PONOS' (درد) نیز هم خانواده است. بنابراین (فقر) را در یونانی با واژه 'aporia' (راه به جایی نداشتن، مشکلی که فقیر با آن دست به گریبان است) تعریف می‌کنند. ریشه‌های یونانی به دو واقعیت اشاره می‌کنند (اگرچه هر دو دردآور هستند): یکی از آن‌دو ریشه‌ی بیولوژیکی دارد که همان گرسنگی است، و دیگری ماهیت روان شناختی دارد، ملاحظه می‌شود که ریشه‌های یونانی لغت معنایی کیفی دارند و حال آنکه ریشه‌ی لاتین آن از معنایی کمی برخوردار است. ۲. در فرهنگ معین: (FAVIR) به مفهوم تهیدست، تنگدست و محتاج و یا: الف) کسی

در حال حاضر بیش از ۱/۲ میلیارد نفر در جهان دچار فقر هستند و با توجه به این که ۳/۴ میلیون نفر از فقیرترین افراد در مناطق روستایی زندگی می‌کنند می‌توان نتیجه گرفت که باید توجه بیشتری به چگونگی و چرایی فقر روستایی نمود

که نیازمند به حق باشد و ذلت سؤال را تنها در آستانه‌ی حق تحمل کند. ب) آن بود که طبعش از مراد خالی بود، (ولایم لک و یملک) تعریف شده است.^۳

فقر ناتوانی انسان در برآورده ساختن حد کافی نیازمندیهای اساسی انسانی است، تا زمانی که فرد بتواند به مرحله‌ی استطاعت همه جانبه، در کوچکترین واحد اجتماعی یعنی خانواده دست یابد، که به منظور رسیدن به یک زندگی آبرومندانه و شایسته به عنوان شرط لازم در سیر او به سوی کمال ضروری است.^۴

مفهوم فقر، مفهومی بسیار پیچیده است که با بحث احساس نیاز و ارضای نیاز ارتباط پیدا می‌کند. به طور مشخص همیشه احساس نیاز بر ارضای نیاز مقدم است و بین این دو مقوله یک فاصله‌ی زمانی وجود دارد. پس فقر را در اصل می‌توان این گونه تعریف کرد که، فقر احساسی است که در فاصله‌ی میان احساس نیاز و رضای آن به انسان دست می‌دهد. از آنجا که نیازها و خواسته‌های مادی و غیرمادی افراد در زمانها و مکانهای مختلف، متغیر و متنوع‌اند، ارایه‌ی مفهوم واحدی از فقر در یک مقطع خاص زمانی برای تمامی جوامع و یا در یک جامعه برای مقاطع مختلف نه فقط ناممکن است بلکه پذیرفتنی هم نیست.^۵

انسان فقیر کسی است که در شرایط دشوار به زندگی خود ادامه می‌دهد و باید او را در شرایط خود بررسی کرد. وی فردی است که باید برای تجلیل و تایید خود مبارزه کند، کسی است که باید خود را با شرایط وفق دهد و برای ادامه‌ی حیات و بهبود سرنوشت خود تصمیمات ظریف و درستی اتخاذ کند. بنابراین فقیر هرگز به صرف این که درآمد اندکی دارد، موجود ناتوانی نیست.

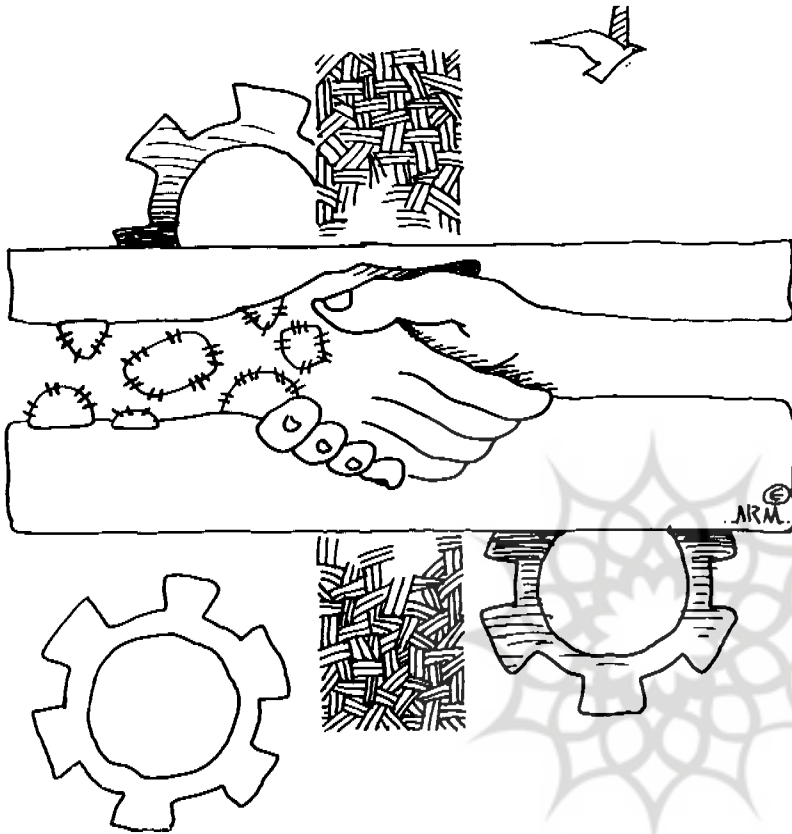
برای اینکه فقیر محسوب شویم، باید در یک زمان از ثروت و یا شغلی که پاداشی داشته باشد (طبقه): از نیرو و نفوذ اجتماعی (قدرت) و از احترام و منزلت (پایگاه) بی بهره باشیم. اگر قبول کنیم که هیچ فردی نمی‌تواند در زمانی واحد فاقد این سه امتیاز باشد، باید گفت: فقیر کسی است که در هر سه زمینه در پایین‌ترین سطح قرار گرفته است. بنا به تعریفی دیگر، افراد فقیر کسانی هستند که قادر به مشارکت در فعالیتهای اجتماعی نیستند و شرایط مناسب برای زندگی عادی در جامعه ندارند. هنگامی که شخص تواناییهای لازم را برای رفع نیازهای اساسی زندگی ندارد فقیر خوانده می‌شود زندگی فرد فقیر پرمخاطره و مشروطی است، تمام تلاش وی برای ادامه زندگی است فقر و ناداری استقلال رای و اندیشه را از او سلب می‌کند.^۸

در مجموع محرومان روستا را می‌توان در سه عنوان طبقه بندی کرد: کشاورزان بدون زمین، کشاورزان حاشیه‌ای و کشاورزان

خرده‌با. درآمد کشاورزان فاقد زمین، به دلیل محدودیت فرصتهای شغلی و بهره‌وری اندک کاری ناچیز است. در تعیین مقدار توزیع درآمد، کاربرد فناوری ویژه‌ی کار، یا سرمایه در زراعت، به اندازه‌ی مسئله‌ای تقسیم اراضی حایز اهمیت است. کشاورزان حاشیه‌ای را می‌توان چنین افرادی توصیف نمود که زمین

جنبه‌ی استثنایی دارد و تنها برای تعداد معدودی فراهم است. این حالت بیشتر در جوامع توسعه نیافته به چشم می‌خورد. در واقع فقر عمومی یک مصیبت روستایی است و این بدان دلیل است که روستاییان لوازم ابتدایی زندگی شامل، لباس، غذا و سرپناه را از طریق زمین (کشاورزی) بدست می‌آورند.

فقر پایدار یا دائم و فقر ناگهانی



بحرانی (یا گذرا): فقر پایدار ناشی از فرایند بلندمدت زندگی است و با عنوان فقر مزمن^{۱۲} نیز شناخته می‌شود مدت زمان تداوم این نوع فقر زیاد بوده و فرد در طول زمان از آن رنج می‌برد. در مقابل، فقر ناگهانی یا بحرانی نتیجه‌ی شوک‌های عادی و روزمره‌ی زندگی است. مانند بیماری یا معلول شدن و یا مرگ نان آور خانواده که این نوع فقر نیز می‌تواند به فقر پایدار تبدیل شود.

فقر شهری و روستایی: ماهیت این دو نوع فقر نیز با یکدیگر متفاوت است. فقر شهری بیشتر به صورت موردی است در حالی که فقر روستایی عمدتاً به حالت عمومی دیده می‌شود. علل عمده‌ی ایجاد فقر شهری و روستایی و آثار و پیامدهای آن متفاوت است.

فقر مادی و فقر معنوی: فقر مادی، جنبه‌های مادی و امکانات را در برمی‌گیرد. ولی فقر معنوی به امور ارزشی انسان مربوط است و جهان‌بینی، ایدئولوژی، فلسفه‌ی حیات و... را در نظر دارد. گاهی فقر معنوی به فقر فکری نیز اطلاق می‌شود.

در برخورد با مقوله‌ی فقر روستایی باید تلاش کرد تا فقر عمومی را، که گریبانگیر درصد

ناکافی برای کشت و گذران سطح قابل قبول زندگی در اختیار ندارند و به دلیل کوچک بودن ملک یا مبنای ضعیف این گونه نامیده می‌شوند. کشاورزان خرده پا را می‌توان در ردیف کشاورزانی قرار داد که یا به قدر امرار معاش خود درآمد دارند و یا افرادی هستند که از فروش مازاد محصولات خود، درآمد قابل توجهی کسب می‌کنند. کارگران کشاورزی فاقد زمین معمولاً از فقیرترین جمعیت‌های روستایی هستند و به قول یک نویسنده: آنان بی شک یکی از محرومترین طبقات اجتماعی در دنیا می‌باشند.^۹

انواع فقر ۱۰

فقر موردی و فقر عمومی ۱۱: فقر موردی، بیشتر در جوامع توسعه یافته به چشم می‌خورد و تنها گریبانگیر عده‌ی قلیلی از افراد جامعه است، اکثریت افراد جامعه از حداقل معیشت برخوردار بوده و تنها عده‌ی معدودی از آنها به علل گوناگونی از آن محروم هستند. در فقر عمومی افراد جامعه، فقیر هستند. به عبارت دیگر در این جوامع رفاه و ثروت،

از جمله مفاهیم بسیار مرتبط با مفاهیم ظرفیت و محرومیت، مفهوم محروم سازی است که تلاش دارد، فقر را بر مبنای سازوکارهای محروم سازی خاص توضیح دهد که باعث خارج ساختن گروههای مورد بررسی جمعیتی، از توسعهی اجتماعی و اقتصادی شده و به آنها اجازه نمی‌دهد که در فرآیندهای دموکراتیک مشارکت نمایند در کشورهای صنعتی اهمیت فرآیندهای به این رهیافت داده می‌شود، چراکه برای توضیح مسائلی اجتماعی از قبیل بیکاری بلندمدت و پدیده‌ی فقران جدید و به عنوان ساختاری تحلیلی برای ارزیابی عوالب سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

قابل توجهی از جوامع روستایی است. از طریق ایجاد تسهیلات زیربنایی، فراهم کردن اشتغال مناسب در روستاها و حد قابل قبولی از معیشت و رفاه نسبی به فقر موردی تبدیل کرد. در این مورد برنامه ریزی برای رهایی از فقر بلندمدت و فرسایشی روستاییان و تبدیل آن به فقر گذرا و از بین بردن آن باید در دستور کار برنامه ریزان توسعه‌ی روستایی قرار بگیرد.

ابعاد فقر:

فقر مطلق ۱۳: افرادی که دارای سطح

درآمدی کمتر از تامین حداقل ضروریات زندگی (سطح معیشت) هستند به فقر مطلق دچار می‌باشند. این نیازهای اساسی (حداقل امکانات معیشتی) عبارتند از: نیاز به غذا، بهداشت و درمان، مسکن، آموزش و پرورش، لباس و غیره. ۱۴. خانواده‌هایی که نمی‌توانند این نیازها را به اندازه‌ی لازم تامین کنند شناخته می‌شوند در واقع تداوم زندگی برای خانواده‌هایی با چنین وضعیتی غیرممکن است.

فقر نسبی ۱۵: به ارزشگزارها و معیارهای هر جامعه مربوط می‌شود. پیترو تاوینزندی که از مفهوم فقر نسبی حمایت می‌کند، فقر را این گونه تعریف می‌کند: افرادی که قادر به مشارکت در فعالیتهای جامعه نبوده و فاقد شرایط زندگی و تسهیلات مرسوم جامعه می‌باشند، اما این فعالیتها و نیازهای متداول در هر جامعه، باید عملاً بیان شوند. ۱۷.

به عبارتی دیگر هنگامی افراد، خانواده‌ها و گروههای یک جامعه را می‌توان فقیر نامید، که آنها منابع لازم برای دستیابی به غذا، شرکت در فعالیتها و داشتن شرایط مطلوب زندگی را ندارند، و همچنین از تسهیلاتی مرسوم (یا حداقل این تسهیلات) که در جوامع آنها پسندیده و مورد تشویق است بی‌بهره‌اند. ۱۸. در واقع در فقر نسبی ارزشهای فرد در رابطه با دیگران و نسبت به آنها مورد سنجش قرار می‌گیرد.

فقر ذهنی ۱۹: زمانی که قضاوت شخص از وضعیت و موقعیت خویش در جامعه ملاک سنجش قرار می‌گیرد و فقر به عدم رضایت فردی از موقعیت اجتماعی و اقتصادی خویش تعریف می‌شود، با مفهوم فقر ذهنی مواجه هستیم. ۲۰.

یا به عبارتی دیگر فقر ذهنی قضاوت هر فرد

در مورد ارزشهای نیازهای وی به میزان کافی و یا غیرکافی است. فقر ذهنی، برآورده شدن نیازهایی، فراتر از نیازهای اساسی مطرح است. **فقر عینی ۲۱:** فقری است که منشا آن نیازهای عینی افراد می‌باشد. به عبارتی دیگر فقر عینی ناتوانی یک فرد روستایی در برآوردن نیازهای اساسی است که لازمه‌ی ادامه‌ی زندگی است. فقر عینی نیز قضاوت شخص از وضعیت و موقعیت خود در جامعه ملاک سنجش قرار می‌گیرد و این تعریف وی ارایه می‌شود.

عموما تعاریف مطلق فقر بر مبنای شاخصهای یک بعدی قرار دارد، در حالی که در بیشتر مواقع مفاهیم نسبی فقر، برای تعیین چند بعدی بودن مسئله‌ی فقر مورد استفاده واقع شده است و عوامل اجتماعی را وارد ارزیابی کرده است. در هر صورت در حال حاضر گروههای فقیر بر اساس داده‌های اقتصادی مورد سنجش قرار می‌گیرند، به طوری که عموماً بر روی عوامل مادی تاکید می‌شود. بنابراین در نخستین گام فقر بر اساس میزان دسترسی به کالاها بیان می‌شود. اگر جمعیت فقیر نتواند به سطح حداقل زندگی قابل قبول دست یابد در حالی که سطح عمومی رایج دسترسی به کالاها وجود دارد، این ناتوانی (برای دستیابی به یک استاندارد از حداقل تعیین شده) می‌تواند به عوامل ذهنی یا عینی نسبت داده شود. پس مطابقت این رهیافت، جنبه‌های غیرمادی فقر چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرند. ۲۲.

زمینه یابی مفاهیم فقر ۲۳ فقر در نتیجه‌ی دسترسی ناکافی به کالاها:

در این تعریف فقر شامل مفاهیم مختلفی





است که آن را بر اساس شرایط اقتصادی توضیح می‌دهد و تلاش دارد تا آن را بر مبنای شاخصهای جهت‌گیری شده به سمت مصرف‌کننده شناسایی کند غالباً این شاخصها به درآمد یا سطح قابل‌دستیابی به مصرف اشاره دارد.

برای مثال در گزارش توسعه‌ی جهانی سال ۱۹۹۰ از بانک جهانی، فقر به عنوان عدم توانایی در دستیابی به یک سطح استاندارد، از حداقل زندگی تعریف شده است. طبق این مفهوم اگر بتوان محصول خودجمعیت فقیر را (که در آمارهای مخارج و درآمدی ثبت نمی‌شوند) در نظر گرفت آنگاه مخارج یا درآمد خانوار ملاکی کافی برای سطح زندگی خواهد بود. در هر صورت در کنار شاخصهای جهت‌گیری شده‌ی فقر به سمت مصرف‌کننده شاخصهای دیگری ارایه می‌شوند که به توصیف ابعاد وسیعتری از سطح زندگی می‌پردازند، مانند عرضه‌ی مواد غذایی یا مراقبتهای بهداشتی. بنابراین در این زمینه نه تنها آستانه‌ی فقر تعیین می‌گردد، بلکه الگوهای فقر، برای نشان دادن شرایط زندگی مردمان فقیر ترسیم می‌شود.

فقر به عنوان نتیجه‌ی محرومیت و نبود حقوق:

فقر ناتوانی انسان در برآورده ساختن حد کافی نیازمندیهای اساسی انسانی است تا زمانی که فرد بتواند به مرحله‌ی استطاعت همه جانبه پدر کوچکترین واحد اجتماعی یعنی خانواده دست یابد که به منظور رسیدن به یک زندگی ابرومدانه و شایسته به عنوان شرط لازم در سیر او به سوی کمال ضروری است.

بگیرد. به علاوه ماهیت بویای فقر و ملاحظه‌ی آن در شبکه‌ای از تماسهای اجتماعی نیز می‌تواند مورد تأکید قرار گیرد.

فقر به عنوان نتیجه‌ی ظرفیت ناکافی:

مطابق آمار تحلیلی فقر تیاسن^{۳۴} مفاهیم ظرفیت، مسئله‌ی دسترسی به کالاها را، بیشتر با این سؤال مطرح می‌کنند که چگونه می‌توان کالاها را در اختیار فقیران گذارد و آنها چه منافعی از مصرف این کالاها می‌برند. این نگرش مطالعه‌ی فقر و علل آن را به سمت آزادیها و ظرفیت افراد برای تبدیل منابع موجود به کیفیت بالاتری از زندگی تغییر می‌دهد. در این برداشت افراد فقیر به صورت افرادی معرفی می‌شوند که بامیزان خاصی از منابع، مطابق با ظرفیتهای فردی، می‌توانند از منابع مختلف یا درجات متفاوتی از دایره‌ی عملکرد بهره‌مند شوند. بنابراین جمعیت فقیر به صورت انفعالی متعلق به یک گروه مصرفی یا درآمدی معین در نظر گرفته نمی‌شوند، اما به هر حال در

ناکافی در دسترس، و در قالب ساختار فرهنگی اجتماعی مورد مقایسه قرار می‌گیرد. در این مفهوم استحقاق فقر را به فقدان حقوق قدرت تصرف (یا فقدان فرصتهای اجرای حقوق موجود در مورد قدرت تصرف) منسوب می‌داند و مسئله‌ی دیگری را به مسایل فقر می‌افزاید. در اینجا مسئله تنها در دسترس بودن کالاها یا توزیع منابع نیست، بلکه مسئله‌ی کنترل منابع نیز مطرح است که از حقوق قدرت تصرف در حال اجراء، قابل نتیجه‌گیری است.

نگرش به این طریقه درک جامعتری از مفهوم فقر در برمی‌گیرد و فراتر از رهیافت موجود اقتصادی قدم برمی‌دارد، در این نگرش به دلیل دایره‌ی عملکردی است که به لحاظ اوضاع اجتماعی و اقتصادی به واسطه‌ی منابع اقتصادی ایجاد شده است، که همراه با سلسله مراتب اجتماعی حاصله می‌توانند. در تحلیل گنجانده شوند یکی از مزایای برخورد به این طریقه این است که میزان دسترسی به کالاها‌ی عمومی و جنبه‌های غیرمادی فقر می‌تواند در چارچوب تحلیلی مورد توجه قرار

مطابق با این مفهوم، تأکید بیشتر روی این واقعیت است که نبود کالاها و منابع کافی به عنوان یک محرومیت توسط افرادی که تحت تأثیر فقر هستند تجربه می‌شود. در این مفهوم وسعت فقر، یک عنصر قویاذهنی و نسبتاً نامشهود را در بر دارد. عوامل ناکافی بودن کالاها عبارتند از: عدم دسترسی به منابع مولد، درآمد پایین، بیکاری، سوء تغذیه و ناکافی بودن آموزش و خدمات بهداشتی و درمانی.

محرومیت غالباً بر مبنای درآمد نابرابر به وجود می‌آید که به وسیله‌ی میزان کالای

این طریقه علل ساختاری فقر تفکیک نشده و افراد مقصر تلقی نمی‌شوند، بلکه فرصتهای فردی در ارتباط با محیط طبیعی و اجتماعی مورد تفسیر قرار می‌گیرند. مثلاً برحسب بازار کالاها، محصولات و نیروی کار که در اصل دایره‌ی عملکرد افراد را تعیین می‌کنند بنابراین مفهوم ظرفیت را در اینجا نباید با قابلیت‌های فردی مترادف دانست.

فقر به عنوان نتیجه‌ی وجود ساز و کارهای محروم سازی اقتصادی و اجتماعی:

از جمله مفاهیم بسیار مرتبط با مفاهیم ظرفیت و محرومیت، مفهوم محروم سازی است که تلاش دارد، فقر را بر مبنای سازوکارهای محروم سازی خاص توضیح دهد که باعث خراج ساختن گروههای مورد بررسی جمعیتی، از توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی شده و به آنها اجازه نمی‌دهد که در فرایندهای دموکراتیک مشارکت نمایند در کشورهای صنعتی اهمیت فزاینده‌ای به این رهیافت داده می‌شود، چراکه برای توضیح مسائلی اجتماعی از قبیل بیکاری بلندمدت و پدیده‌ی فقریان جدید و به عنوان ساختاری تحلیلی برای ارزیابی عواقب سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این زمینه نقطه‌ی شروع فقر به عنوان شکلی جدی از محروم سازی اجتماعی و اقتصادی است و بیش از آنکه متغیرهای اقتصادی در تحلیل مورد تأکید قرار گیرد، تعیین فرایندهای اجتماعی مورد توجه است. هدف توصیف و تحلیل این مطلب است که چه افرادی و به چه دلایلی از گردونه‌ی توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی عمومی بیرون مانده‌اند و باید چه اقداماتی را برای ادغام گروههای جمعیتی تحت تأثیر امور اجتماعی

انخاذ کرد. به طریق مشابه در این مقوله نیز ابعاد متفاوتی از فقر و ساز و کارهای محروم سازی مورد بررسی قرار می‌گیرد که می‌تواند ماهیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشد.

باید به طور مشخص یک شاخص اجتماعی برای تعیین و تفسیر سازوکارهای محروم سازی به عنوان شاخص مبنای انتخاب نماییم. یکی از چارچوب‌های تحلیلی اولیه در این زمینه را سیلور ۲۵ برای کشورهای صنعتی طراحی کرده است. وی سه انگاره‌ی مختلف را مطرح می‌کند که در چارچوب آنها می‌توان مفاهیم مختلف محروم سازی یا شرکت دادن را به صورت نظام یافته تعبیر کرد، اشکال مختلفی از ضعف را تعیین نمود و علل مختلفی از محروم سازی اجتماعی را به عنوان مبنای در نظر گرفت. انگاره‌های مورد بررسی سیلور عبارتند از:

انگاره‌ی اتحاد و یکپارچگی

انگاره‌ی تخصص گرایی

انگاره‌ی انحصار

در انگاره‌ی یکپارچگی، سازوکارهای محروم سازی به روابط مشکل زای بین جامعه و گروهها یا افراد خاص نسبت داده می‌شود که در اینجا جامعه بر اساس مجموعه‌ای از ارزشهای مشترک حقوق نهادها و نظم اجتماعی منتج از آن تعریف می‌شود. از سویی دیگر در انگاره‌ی تخصص گرایی، محروم سازی به عنوان نتیجه‌ی رفتار فرد تلقی می‌شود که به علاقه‌ها و ظرفیتهای وی بستگی دارد به طوریکه ساختار اجتماعی بر مبنای شکل خاصی از تقسیم کار قرار دارد و در تعیین اینکه چطور و تا چه حد فرد و جامعه در عمل متقابل قرار دارند سهم بازی می‌کند. در چارچوب این انگاره سازوکارهای محروم سازی نه تنها در نتیجه‌ی تبعیض، عدم مشارکت

در بازار یا حقوق فاقد ضمانت اجرایی‌اند، بلکه به رفتار ارادی نیز بستگی دارند، اما در انگاره‌ی انحصاری گروه‌های فشار مختلف بر منابع موجود کنترل دارند و در همین حال اتحاد میان گروههای فشار نیز تسریع می‌شود. بنابراین قواعد محدودکننده‌ی عضویت در گروهها، سازوکارهای طرد افراد را آرایه می‌نمایند که می‌تواند ماهیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشد.

این سه انگاره لزوماً به شکل موانع سه گانه کاربرد ندارد بلکه می‌تواند در ترکیبات متفاوت در کشورهای منفرد وجود داشته باشد. به گونه‌ای که بسیاری از سازوکارهای محروم سازی می‌توانند در سطوح مختلف کشورها (مناطق، نهادها، گروههای اجتماعی و افراد) و در بخشهای مختلف (بازار کار، نظام آموزش و پرورش، مراقبتهای بهداشتی و جز اینها) برای گروههای مختلف بکار روند و جنبه‌های مادی و غیرمادی فقر نیز در نظر گرفته شوند. جنبه‌های مادی اساساً به مسایل مشارکت، سازمان، نمایندگی و قدرت سیاسی مربوط می‌شود. بنابراین در این برداشت فقر را نباید تنها به عنوان یک حالت، بلکه باید به عنوان یک فرایند تحلیل کرد. این امر ماهیت پویا و چند بعدی بودن فقر و نیز لحاظ نمودن جمعیت فقیر در داخل شبکه‌ی پیچیده‌ی روابط اقتصادی و اجتماعی و دایره‌ی عملکرد محدود حاصله را در نظر می‌گیرد.

پی نوشتها

۱. povertyd

۲. باول، مارک هنری، ص ۸۰.

۳. فرهنگ معین، ص ۲۵۶.

۴. زبیری، کرامت الله، ص ۸۵.

۵. مجموعه‌ی مقالات نقش جهاد سازندگی در بخش

کشاورزی و توسعه‌ی روستایی، ص ۲۵.

۶. poor

۷. حامد مقدم، احمد، ص ۱۳.

۸. افراخته، حسن، ص ۱۹.

۹. اتحادیه‌ی بین المللی تعاون، تعاونیها و فقرا، مرجانه

سلطانی، ص ۲۳.

۱۰. حیدری، علیقلی و محمدعلی نیا، جواد، ص ۱۱.

۱۱. case Poverty and mass poverty

۱۲. endemic poverty

۱۳. absolute poverty

۱۴. صادقی، شهرزاد، ص ۲۷.

۱۵. Relative poverty

۱۶. Peter townsend

۱۷. ازکبا، مصطفی، مقدمه‌ای بر جامعه شناسی

توسعه‌ی روستایی، ص ۱۹.

۱۸. عظیمی، ازابی، حسین، ص ۲۴.

۱۹. Subjective poverty

۲۰. صادقی، شهرزاد، ص ۲۷.

۲۱. Objective poverty

۲۲. هاووس، و کرووس، ب، ص ۸۳.

۲۳. همان منبع، ص ۸۳۹، همراه با تلخیص.

۲۴. Amartya sen

۲۵. Silver

